

تأثیر اراده طرفین اختلاف در صلاحیت داور در رسیدگی به اختلاف راجع به اصل قرارداد در حقوق ایران و انگلیس

سیدعلی حسینی^۱، داریوش بابائی^۲، عبدالله بهمن پوری^۳

چکیده

زمینه و هدف: در نظام دادرسی عادلانه و منظم، دعوا در مرجع صالح اقامه می‌شود و هر مرجع قضاوتی به امری رسیدگی می‌نماید که به موجب قانون در قلمرو صلاحیت آن باشد. نقش اراده طرفین در تعیین مرجع رسیدگی متفاوت است و قانون‌گذار برخی دعاوی مانند ورشکستگی، نکاح، طلاق و نسب را به جهت اهمیت و یا ویژگی خاص آنها قابل ارجاع به داوری ندانسته و در مواردی نیز به جهت اهمیت رابطه حقوقی مانند قراردادهای دولتی پیمان و بورس، داوری را اجباری و انتخاب داور و چگونگی رسیدگی و صدور رأی داوری و حتی داور را معین کرده است و در سایر دعاوی نیز داوری ارادی بوده و طرفین اختیار تعیین داور و مدیریت داوری اعم از شیوه رسیدگی، نحوه و زمان داوری را دارند.

روش: روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است.

یافته‌ها و نتایج: سؤال اصلی تحقیق این است که از آنجا که مبنای داوری و صلاحیت داور وجود یک قرارداد صحیح است، در مواردی که اختلاف راجع به صحت یا انحلال و بی‌اعتباری قرارداد یا توافق‌نامه داوری باشد، تأثیر حاکمیت اراده طرفین در صلاحیت داور در رسیدگی به اصل قرارداد و موافقت‌نامه داوری در رسیدگی ابتدایی به اختلاف چیست. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مطابق قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود و وجود یا اعتبار موافقت‌نامه داوری اتخاذ تصمیم نماید و این نظر در حقوق انگلیس و بین‌الملل پذیرفته شده است، اما حقوق داخلی ایران حکم صریحی ندارد که موجب تفسیرهای مختلف و صدور آرای متفاوت شده است.

کلید واژه‌ها: اصل حاکمیت اراده، داوری، صلاحیت، قرارداد داوری.

* استناددهی (APA): حسینی، سیدعلی؛ بابائی، داریوش؛ بهمن پوری، عبدالله. (۱۴۰۰). تأثیر اراده طرفین اختلاف در صلاحیت داور در رسیدگی به اختلاف راجع به اصل قرارداد در حقوق ایران و انگلیس. *تحقیقات حقوقی آزاد*، ۱۴(۵۲)، ۳۲۲-۳۳۸.
http://alr.iauctb.ac.ir/article_687354.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

رایانامه: Sahnemehr@yahoo.com

۲. استادیار فقه و مبانی حقوق، دانشکده حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: dr.babaei56@yahoo.com

۳. استادیار حقوق عمومی، دانشکده حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

رایانامه: bahmanpouri10@yu.ac.ir



مقدمه

دادخواهی حق مسلم هر شخص است و بروز اختلاف امری بدیهی است. پیشرفت و توسعه همراه با تحول‌های عظیم و سریع جوامع در عصر حاضر و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های جدید، بر روابط حقوقی و دنیای مراودات، مبادلات و تجارت نیز تأثیر گذاشته و از طرفی پیچیدگی‌های سازمانی محاکم و فرآیندهای رسیدگی همراه با الزامات قانونی در تشریفات دادرسی، نحوه تقدیم دعاوی، هزینه دادرسی، زمان طولانی، مقید بودن مراجعین به رعایت ضوابط سازمانی محاکم، علاوه بر اینکه نیازمند تغییر در قواعد و آیین دادرسی است، تمایل اشخاص را به انتخاب روش‌های نوین دادرسی و حل اختلاف به‌عنوان جایگزینی مناسب و بهتر به‌جای دادگاه‌ها برانگیخته است که شامل روشی غیر از مراجعه به دادگاه جهت حل و فصل اختلاف‌ها است. یکی از شیوه‌ها جایگزین مراجعه به دادگاه توافق بر نهاد داوری جهت حل و فصل اختلاف است.

توافق بر داوری ممکن است به‌صورت مستقل یعنی به شکل قرارداد جداگانه و یا به‌صورت شرط ضمن عقد واقع شود، هرگاه بین طرفین نسبت به قرارداد داوری یا اصل قراردادی که ضمن آن شرط داوری شده، اختلاف ایجاد شود در این صورت رسیدگی به چنین اختلافی در صلاحیت چه مرجعی است. بدیهی است که اختلاف و دعوا باید در مرجعی که صلاحیت رسیدگی به آن را دارد، می‌شود اقامه شود و رسیدگی در مرجع رسیدگی کننده مستلزم داشتن صلاحیت است که این صلاحیت باید پیش از رسیدگی احراز شود و چنانچه مرجعی که صلاحیت رسیدگی ندارد به امری رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید، نه‌تنها رأی صادره در معرض بطلان و بی‌اعتباری می‌باشد بلکه موجب تأخیر در رسیدگی و اتلاف زمان و تحیل هزینه برای طرفین و جامعه خواهد شد. هر مرجع قضائتی در صورتی می‌تواند و مکلف است به امر رسیدگی نماید که به‌موجب قانون در قلمرو صلاحیت آن باشد. بر همین اساس در هر نظام دادرسی، قوانین و قواعد مربوط به تشخیص صلاحیت باید شفاف و واضح بوده تا مراجع رسیدگی کننده به‌راحتی بتوانند صلاحیت یا عدم صلاحیت خود را تشخیص داده و نه‌تنها از اطاله دادرسی و هدر رفتن منابع و زمان جلوگیری شود بلکه اشخاص و طرفین دعوا نیز با اعتماد بیشتری در مرجع رسیدگی حاضر و با ارائه ادله از حقوق خود دفاع نمایند؛ و لیکن در حالتی که اختلاف در صلاحیت به دلیل عدم شفافیت و صراحت قوانین وجود داشته باشد و موجب برداشت‌ها و صدور آرای متعارض شود، اعتماد اشخاص به مراجع رسیدگی کاهش یافته و موجب طولانی شدن روند رسیدگی‌ها و به‌تبع آن طرح اختلاف در مراجع مختلف خواهد شد.

با اختلاف در بطلان، بی‌اعتباری یا انحلال قرارداد اصلی و قرارداد داوری این موضوع مطرح است که چه مرجعی برای اتخاذ تصمیم نسبت به موضوع صلاحیت خواهد داشت. این صلاحیت از ابتدا که «صلاحیت نسبت به صلاحیت» خوانده می‌شود و نیازمند بررسی رابطه شرط ضمن عقد

و توافقنامه داوری از قرارداد اصلی است. مستقل بودن شرط و توافق داوری و یا آنچه قاعده صلاحیت نسبت به صلاحیت خوانده می‌شود و به‌موجب آن در صورتی که راجع به روابط حقوقی طرفین توافق بر داوری شده باشد، شرط داوری به‌عنوان یک توافق مستقل و مجزا از اصل رابطه حقوقی، رسیدگی را در صلاحیت داور قرار می‌دهد در قواعد داوری بین‌المللی و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مورد پذیرش قرار گرفته است و به آن تصریح شده است، اما در حقوق داخلی و رویه محاکم به جهت اینکه به‌صراحت در خصوص آن در قوانین آیین دادرسی اظهار نظر نشده است موجب طرح دیدگاه‌های متفاوت بین حقوقدانان و مراجع رسیدگی شده و به‌تبع آن آرای متفاوت و متعارضی صادر شده است و حتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز رویکردهای متفاوتی داشته و نظریه‌های مشورتی مختلف در پذیرش هر دو دیدگاه منتشر نموده است. در این تحقیق جایگاه اراده طرفین نسبت به صلاحیت داور در رسیدگی به اختلاف راجع به اصل قرارداد در حقوق ایران و انگلیس را بررسی کرده و به این سؤال پاسخ می‌دهیم که آیا باید دادگاه در ابتدا رسیدگی و صحت توافق را احراز تا عدم صلاحیت خود و صلاحیت داور را احراز نماید و یا اینکه با پذیرش اصل حاکمیت اراده رسیدگی به این اختلاف هم در صلاحیت داور است و از طرفی آیا موافقت‌نامه داوری چه به شکل ضمن قرارداد اصلی و چه به شکل جداگانه، تابع قرارداد اصلی در استمرار، بقا و انحلال است و از آنجا که مبنای نهاد داوری و صلاحیت داور وجود یک قرارداد صحیح است و چنانچه این قرارداد در معرض بطلان، فسخ و یا به‌طور کلی انحلال قرار گیرد یا در صحت آن اختلاف باشد، بازهم باید قائل به ترجیح حاکمیت اراده طرفین و صلاحیت داور در رسیدگی به اصل قرارداد و موافقت‌نامه داوری بود و رأی داور از این جهت با ایراد عدم صلاحیت مواجه نیست. یا اینکه صلاحیت داور تا زمان رفع اختلاف و یا صدور رأی از محاکم در رد ادعای بطلان و انحلال متزلزل است و داور صلاحیت رسیدگی ابتدایی به چنین اختلافی را ندارد و حتی در صورت توافق طرفین بر صلاحیت داور، چنین توافقی برخلاف قوانین آمره دادرسی می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مطابق قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود و وجود یا اعتبار موافقت‌نامه داوری اتخاذ تصمیم نماید و حقوق انگلیس در هر دو حوزه داخلی و بین‌المللی این نظر را پذیرفته شده است، اما حقوق داخلی ایران در این موضوع حکم صریحی ندارد که موجب تفسیرهای متفاوت و آرای متعارضی شده است.

نهاد داوری اساساً یک توافق در ایجاد عدالت خصوصی از طریق یک مرجع غیردولتی است. همان‌گونه که در بسیاری از موضوعات مطروحه حقوقی، اختلاف‌های زیادی میان حقوقدانان وجود دارد در رابطه با ماهیت نهاد داوری نیز اتفاق نظر وجود ندارد و در ماهیت این نهاد مدت‌ها مناظره و اظهارنظرهایی بوده و هست. وقتی قراردادی منعقد می‌شود پیدایش اختلاف بسیار محتمل است و این اختلاف ممکن است در تمام مراحل قرارداد از قبل از انعقاد تا زمان اجرای تعهدات و

توافقات و حتی پس از آن ایجاد شود. ارجاع اختلافات به داوری علی‌الاصول اختیاری و مبتنی بر توافق طرفین است ولی در بعضی موارد قانون‌گذار درخواست یکی از طرفین در ارجاع اختلاف به داوری را کافی دانسته و دادگاه مکلف به رسیدگی و اتخاذ تصمیم می‌باشد. در مواردی نیز قانون‌گذار ارجاع اختلاف به داوری و پیش‌بینی این امر در قرارداد را اجباری نموده است که در این خصوص برای نمونه در قوانین ایران ماده ۱۴ «لایحه قانونی مربوط به تفحص، اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره» مصوب ۱۳۳۶/۵/۷ و یا مواد ۳۶ و ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و یا آیین‌نامه داوری در بخش تعاونی داوری مصوب ۱۳۸۹ را می‌توان ذکر کرد، بنابراین داوری بر اساس معیارهای مختلف به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود که در یک تقسیم‌بندی کلی ممکن است داوری داخلی باشد یا بین‌المللی، داوری اجباری و یا اختیاری باشد که داوری اجباری خود به دو نوع اجباری بر اساس توافق یعنی قراردادی و داوری اجباری غیرقراردادی یعنی بر اساس الزام قانون‌گذار تقسیم می‌شود.

با اینکه داوری از سابقه تقنینی و فقهی قابل توجهی برخوردار است و در رویه قضایی نیز دعاوی مختلفی راجع به آن موجود است، چندان مورد توجه حقوقدانان نبوده و در بین مردم نیز استقبال شایسته‌ای از آن به عمل نمی‌آید، تراکم اختلاف‌ها و حجم ورودی پرونده‌ها در مراجع قضایی موجب اطاله رسیدگی، لزوم پرداخت هزینه‌های دادرسی، رسمی بودن رسیدگی دادگاه‌ها و نداشتن آزادی عمل برای ارتباط با دادرس انگیزه‌ای شد تا توجه به داوری در بین مردم و جامعه حقوقی کشور قوت گرفته تا جایی که قوه قضائیه نیز با هدف کاهش پرونده‌های ورودی به محاکم و تسریع در رسیدگی اقدام به تقویت و توسعه نهاد داوری نموده است.

از مسائل مهم در رسیدگی محاکم و داور تشخیص مرجع صالح در رسیدگی به اختلاف می‌باشد. آنچه مسلم است دعوا باید در مرجعی که شایستگی رسیدگی به آن را دارد، مطرح شود و در گام نخست باید مرجع قضاوتی که ذاتاً صالح است مشخص شود و در گام دوم علی‌الاصول باید بین مراجعی که از نظر ذاتی صالح‌اند، مرجعی که صلاحیت نسبی در رسیدگی به اختلاف یا امر مورد نظر دارد، تعیین شود. با توجه به اهمیت موضوع و سکوت قانون در این خصوص و عدم پاسخ واحد به این سؤال و اختلاف نظر در رویه قضایی، منظور از این تحقیق بررسی و یافتن پاسخ مناسب در رفع ابهام موجود می‌باشد.

۱. تعریف و ماهیت داوری

داوری به فرآیندی اطلاق می‌شود که طرفین اختلاف به فرد یا افراد ثالث اختیار و صلاحیت می‌بخشند که به اختلاف یا اختلافات مورد نظر رسیدگی کرده و همانند قاضی آنها را فیصله داده و رأی لازم‌الاجرا صادر نمایند (شیروی، ۱۳۹۱: ۲۵۸). در قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب

۱۳۷۶ نیز، داوری به معنای رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی، عنوان شده است. قانون داوری ۱۹۹۶ انگلیس تعریفی از داوری ارائه نکرده، اما هدف از داوری را رسیدن به حل منصفانه اختلافات توسط یک هیات بی طرف بدون هزینه و تأخیر بیان کرده است. بنابراین داوری نه به عنوان یک هدف، بلکه به واسطه کم ضررترین روش ترافیعی حل و فصل دعاوی، در کنار رسیدگی قضایی و نیز دیگر روش های حل و فصل اختلاف از جمله: مذاکره، سازش، کارشناسی، میانجیگری، ارزیابی بی طرفانه، هیأت حل اختلاف، مشاوره و رسیدگی کوتاه؛ در طول سال ها به صورت گسترده ای در عرصه بین المللی و داخلی، به عنوان مهم ترین و متداول ترین روش حل دعاوی به رسمیت شناخته شده است. نواقص و مشکلات عملی شروط داوری در قراردادهای قبل از ربع قرن اخیر سده سابق، یعنی سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ از یک سو و رشد فزاینده نهادهای داوری و مقررات متحدالشکل از سوی دیگر، موجب تسریع دگرگونی شروط داوری شده است (خزایی، ۱۳۸۶: ۱۵۹).

جدا از چهره رایج داوری به عنوان روش حل و فصل اختلاف، گاهی داوری در چارچوب قرارداد و خارج از هر دعوایی، برای تکمیل قرارداد یا منطبق ساختن آن با اوضاع و احوال جدید دخالت دارد (صفایی، ۱۳۷۷: ۲۵۸)؛ و طرفین برای تکمیل یا تعدیل قرارداد تراضی به داوری می کنند. در مقررات ایران چنین قراردادی صریحاً به رسمیت شناخته نشده، ولی با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی بدون اشکال است که از موضوع بحث ما خارج است.

عمدتاً سه دیدگاه و نظریه مختلف در خصوص صلاحیت داور ارائه شده است؛ نظریه صلاحیتی یا قانونی، نظریه قراردادی و نظریه مختلط. مطابق نظریه صلاحیتی بودن داوری، امر رسیدگی به دعاوی و حل اختلاف، تفسیر و اعمال قانون یکی از وجوه حاکمیت و صلاحیت قضایی دولت ها است. هر دولتی اختیار کنترل و تنظیم داوری در سرزمین خود را دارد و طرفین داوری فقط تا جایی می توانند به داوری رجوع کنند که به صراحت یا به طور تلویحی در قانون محل داوری به آنان اجازه داده شده یا پذیرفته شده است. مطابق این نظر، داوری پذیری وضعیتی استثنایی دارد و نمی توان خارج از صلاحیت قضایی دولت و سپردن امر دعاوی به قضاوت نهاد خصوصی را مفروض پنداشت.

درواقع این نظریه حاکی از آن است که وظیفه داور از قانون ناشی می شود و قانون بنا بر مصالحی به اشخاص اجازه داده که دادرسی امور خویش را با توافق برگزینند و این وظیفه به طور موقت به داور محول شده است؛ لذا پذیرفته شده که ماهیت و مبنای قرارداد داوری، اجازه شارع و قانون گذار است که به شکل عقدی مستقل با شرایط خاص تعیین شده است.

با حمایت از نظری که حکومت، منبع صلاحیت داوری است، استدلال می شود که رأی داوری، درواقع هنوز یک پیش نویس حکم است و تنها زمانی به حکمی نهایی تبدیل می شود که

مقامات قضایی کشور محل صدور رأی توسط مجری داخلی آن را تأیید کرده باشد. این مجری حکم، رأی داوری را ممهور به مهر یک تصمیم قضایی می‌کند تا قانون، آن را به‌عنوان حکمی نهایی بپذیرد. ایجاد اطمینان و قطعیت قانونی، اثر دیگر تبعیت از این نظریه است. حتی آزادی داوران در اعمال قانون ماهوی، بیشتر از قضاوت نیست و رأی داوری لزوماً باید با قوانین کشور محل صدورش مطابقت داشته باشد (بردیاری، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

براساس نظریه قراردادی بودن داوری، ریشه و مبنای داوری توافق طرفین است که وجود و استمرار آن، به همین توافق بستگی دارد. نظریه مختلط در میانه این دو نظریه قرار دارد و عناصری از هر دو را در برمی‌گیرد؛ بدین معنی که داوری نمی‌تواند فراسوی نظام‌های حقوقی باشد؛ باید قانونی وجود داشته باشد که اعتبار ارجاع به داوری و قابلیت اجرای رأی را تعیین کند. از سوی دیگر، داوری ریشه در قرارداد خصوصی دارد و انتخاب داوران و قواعد حاکم بر آیین داوری در وهله نخست وابسته به توافق طرفین است؛ از این‌رو عناصر صلاحیتی و قراردادی داوری به‌طور جدایی‌ناپذیر درهم‌تنیده شده‌اند. برخی بر این اعتقادند که داوری هرچند مبتنی بر آزادی اراده طرفین است، ولی فارغ از کنترل و تنظیم دولت نیست؛ به عبارت دیگر، آزادی طرف‌ها در ارجاع اختلاف خود به داوری، مطلق و بدون محدودیت نیست و دولت‌ها برای توسل اشخاص به داوری یا موضوعات و اختلافات قابل ارجاع به داوری، محدودیت‌های وضع می‌کنند.

در حالی که برخی نیز معتقد به ماهیت وکالتی یا اذن در مصالحه داوری یا قضاوتی بودن آن هستند (هدایتی، ۱۳۸۹: ۲۳۶). به نظر می‌رسد ماهیت قراردادی و عقدی بودن آن ارجح است و می‌توان گفت که منشأ داوری و اعتباربخشی آن، قرارداد است که داوری، الزام‌آوری خویش را از آن می‌گیرد (مجبی، ۱۳۸۳: ۳۶).

در حقوق ایران، با اشاره به شرط رعایت مقررات آمره و قانونی، طرفین می‌توانند در مورد آیین رسیدگی داوری توافق نمایند و البته ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی نیز در تشریفات مقررات داوری، به‌طور ضمنی تأیید دیگری بر امکان تعیین ترتیبات داوری به تراضی توسط طرفین است؛ به این نحو، قانون اشخاص را در ارجاع اختلاف به داوری آزاد گذاشته و اجازه داده تا نحوه رسیدگی به اختلاف در حقوق داخلی را که می‌تواند تابع قانون آیین دادرسی مدنی باشد، خود تعیین کنند (مشکور، ۱۳۹۰: ۸۹).

در نظام حقوقی انگلیس و کلاً در نظام کامن‌لا، با غلبه بخشیدن به جنبه قراردادی داوری، آرای داوری را در حکم قرارداد تلقی می‌کنند؛ بدین ترتیب که رأی داور مانند تعهدی است که ناشی از قرارداد بوده و بر عهده محکوم‌علیه است (جنیدی، ۱۳۸۷: ۹۸).

در حقوق این کشور، به گفته یکی از نویسندگان، در چشمان یک قاضی انگلیسی، صلاحیت داور از موافقت‌نامه طرفین داوری نشأت می‌گیرد (ردفرن^۱ و هانتز^۲، ۲۰۰۳: ۴۵۸). معتقد به نظریه قراردادی داوری هستند و البته در برخی موارد، مقررات قانونی ممکن است بتواند به آنان تفویض اختیار یا صلاحیت دهد که بدون موافقت‌نامه هم امکان‌پذیر است. این بحث نظیر همان داوری اجباری در حقوق ما می‌باشد.

البته برخی از حقوقدانان انگلیسی با این نظریه قراردادی در حدی که بتوان گفت بر پایه آن داوران از حداکثر آزادی برخوردارند، موافق نبوده و بیان می‌دارند که این دسته‌بندی داوری در قراردادها، دارای بنیاد نظری محکمی نمی‌باشد (رنه^۳، ۱۹۸۵: ۲۰۰).

ذکر این نکته لازم است که داوری اجباری در حقوق داخلی قابل تأسیس است که قانون‌گذار مقرر کرده باشد، بعضی دعاوی خاص، باید از طریق داوری حل و فصل شود. به‌عنوان مثال، قانون اصلاح قانون حکمیت مصوب ۱۳۰۸ ایران است که مطابق ماده ۳ آن: «دعوی تخلیه دکاکین، مغازه‌ها و امثال آنها، اعم از اینکه در حدود صلاحیت صلحیه باشد یا بدایت، به تقاضای یکی از طرفین به حکمیت رجوع خواهد شد».

۲. جایگاه اراده در داوری و محدودیت‌های قانونی

هرچند داوری و صلاحیت داور و مشروعیت نهاد داوری مکتسب از توافق طرفین است ولی توافق طرفین در مواردی دارای محدودیت‌هایی است و این‌گونه نیست که طرفین دارای اختیار کامل و بدون قید و بند در انتخاب داور و مرجع داوری باشند، بلکه به جهت اینکه رسیدگی و رفع اختلاف ناشی از اقتدار حاکمیت بوده و هر نوع بی‌تدبیری در آن به اقتدار نظام و حاکمیت خدشه وارد خواهد کرد. قانون‌گذار در مواردی برحسب اهمیت رابطه‌های حقوقی و در امور برحسب آثار اجتماعی، مذهبی، فرهنگی داوری را الزامی نموده و حتی مرجع داور و داور را نیز تعیین کرده و طرفین در صورت اختلاف چاره‌ای جز تبعیت از نظر قانون‌گذار نداشته و نمی‌توانند برخلاف آن توافق نمایند و در انتخاب داور نیز معیارهای فردی را بیان کرده تا به جهت شأن و جایگاه داوری از انتخاب افرادی که فاقد آن ویژگی‌ها هستند خودداری شده و حاکمیت و نظام دادرسی چنین انتخابی را بی‌اعتبار بدانند.

در داوری سازمانی، نهاد داوری ملزم و مکلف به رسیدگی است و قانون‌گذار داور را صالح به رسیدگی دانسته مگر در اختلافی که به‌صراحت رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم است و آن‌چنان که در ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی بیان‌شده «هرگاه ضمن رسیدگی مسائلی کشف شود

1. Redfern
2. Hunter
3. Rene

که مربوط به وقوع جرمی باشد و در رأی داور مؤثر بوده و تفکیک جهات مدنی از جزایی ممکن نباشد و همچنین در صورتی که دعوا مربوط به نکاح یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امری که رجوع به داوری شده متوقف بر رسیدگی به اصل نکاح یا طلاق یا نسب باشد، رسیدگی داوران تا صدور حکم نهایی از دادگاه صلاحیت دار نسبت به امر جزایی یا نکاح یا طلاق یا نسب متوقف می‌گردد» و یا مانند آنچه در ماده ۴۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی ایران بیان شده است که «اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمی‌توان به‌عنوان داور انتخاب نمود:

- ۱) اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند؛
- ۲) اشخاصی که به‌موجب حکم قطعی دادگاه یا در اثر آن از داوری محروم شده‌اند» یا به‌تصریح ماده ۴۷۰ قانون موصوف، قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی به جهت جایگاه شغلی و مقام سازمانی و اداری حتی با تراضی طرفین نمی‌توانند به‌عنوان داور انتخاب شوند. همچنین مطابق ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی «دادگاه نمی‌تواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین:

- ۱) کسانی که سن آنان کمتر از بیست و پنج سال تمام باشد؛
- ۲) کسانی که در دعوا ذی‌نفع باشند؛
- ۳) کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند؛
- ۴) کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا می‌باشند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنان باشد؛
- ۵) کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند؛
- ۶) کسانی که با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دادرسی کیفی داشته باشند؛
- ۷) کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند؛
- ۸) کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان.

بنابراین طرفین اختلاف در انتخاب مرجع داوری و شخص داور نیز با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند که بررسی این موارد از موضوع این تحقیق خارج است ولیکن فرض تحقیق بر آن است که داوری از نوع اختیاری است و دوم اینکه انتخاب داوران از سوی طرفین جهت صلاحیت فردی خالی از اشکال و ایراد است. آنچه به موضوع این تحقیق مرتبط است و تلاش داریم آن را بررسی کنیم مواردی که دعوا و اختلاف داوری پذیر می‌باشد؛ یعنی از مواردی نیست که موضوع آنها

قابل ارجاع به داوری نباشد و یا طرفین اختلاف هیچ مانع قانونی در مراجعه به داور داشته باشند و همچنین اشخاص یا شخصی که به عنوان داور انتخاب شده‌اند و بر داوری آنها تراضی و توافق شده است می‌توانند به سمت داور انتخاب شوند و شخص داور صلاحیت قانونی دارد و از جمله مصادیق اشخاصی نیستند که نمی‌توانند به سمت داوری انتخاب شوند.

۲-۱. داوری اجباری و اختیاری

مبنای این تقسیم‌بندی به آزادی طرفین منازعه در انتخاب مرجع رسیدگی برمی‌گردد. چنانچه مراجعه به داوری از روی اراده باشد، اختیاری و چنانچه محصول اجبار قانونی باشد، اجباری محسوب می‌گردد.

در این تقسیم‌بندی بر مبنای اینکه طرفین تا چه اندازه در ارجاع اختلاف خود به داوری آزادی عمل داشته باشند به داوری اختیاری و اجباری تقسیم می‌گردد. در واقع در قسم اول منشأ مراجعه به داوری اراده طرفین است، اما در نوع دوم این امر از اجبار قانونی ناشی می‌شود (سکوتی، ۱۳۹۶: ۳۰۶). ویژگی اساسی داوری در اختیاری بودن آن است. داوری متکی به موافقت‌نامه داوری است و چنانچه موضوعی خارج از حدود موافقت‌نامه داوری مورد رسیدگی داوران قرار گیرد، قابل ابطال است. همچنین به استناد اصل نسبی بودن آثار قراردادها، موافقت‌نامه داوری تنها بین طرفین آن لازم‌الاتباع است و نسبت به اشخاص ثالث الزام‌آور نیست. با این وجود از آنجاکه داوری دارای امتیازات زیادی است، قانون‌گذار ممکن است مقرر نماید که اختلافات خاصی تنها از طریق داوری حل و فصل شود. مسلماً نمی‌توان بدون مجوز قانونی داوری اجباری مقرر نمود و افراد را از تمسک به سیستم اداری بازداشت (شیروی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). در ایران داوری اجباری به دو شیوه مطرح می‌شود. نوع اول این است که برخی از اختلافات به تجویز قانون الزاماً به داوری ارجاع می‌شود و نوع دوم این است که طرفین یک قرارداد به موجب قانون ملزم می‌شوند که در قرارداد خود شرط داوری را درج کنند.

مبنای این تقسیم‌بندی به آزادی طرفین منازعه در انتخاب مرجع رسیدگی برمی‌گردد. چنانچه مراجعه به داوری از روی اراده باشد، اختیاری و چنانچه محصول اجبار قانونی باشد، اجباری محسوب می‌گردد.

داوری اختیاری: داوری ممکن است اختیاری قراردادی باشد و آن وقتی است که ناشی از توافق طرفین مبنی بر ارجاع قضیه به داوری باشد. به نظر ما فقط آن دسته از داوری‌هایی که با طیب خاطر بدان مراجعه می‌گردد داوری اختیاری تلقی می‌گردد و داوری‌هایی که به اجبار در قراردادها گنجانیده می‌شود، اختیاری به‌شمار نمی‌آید؛ بنابراین داوری‌های موضوع شرایط عمومی پیمان یا آیین‌نامه واگذاری شرکت‌های دولتی، اختیاری محسوب نمی‌شود.

۲-۲. داوری موردی و سازمانی

در داوری موردی غالباً با اشخاص حقیقی مواجه هستیم؛ اما در داوری سازمانی با شخصی حقوقی که کارکردش اصیل جریان داوری است. این شخص حقوقی سازمانی است متشکل از حقوقدانان، تجار و مدیریت داوری در انتخاب داور، شیوه، زمان و مکان رسیدگی، نحوه ابلاغ و صدور رأی در اختیار سازمان داوری است.

در داوری موردی طرف‌ها اصولاً به تنها شخص ثالثی که مراجعه می‌کنند شخص داور است و اصولاً هیچ شخص دیگری حق دخالت در جریان داوری را ندارد. به عبارتی در داوری موردی طرفین اختلاف خودشان جریان داوری را اداره و مدیریت می‌کنند.

در داوری سازمانی خواهان و خواننده به سازمان داوری مراجعه می‌کنند و سازمان داوری اداره جریان داوری‌ها بر عهده دارد. مقرراتی کاملاً یکسان در سازمان‌های داوری وجود ندارد، چون هر سازمان مقررات خاص خودش را دارد و بر اساس اصول و دیدگاهی که بدان اعتقاد دارد و با ملاحظه مقررات محل داوری سازمان اداره می‌شود که از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت وجود دارد، اما ماهیت کار تمام سازمان‌های داوری یکسان است. مهم‌تر از قواعد سازمان که جنبه عینی دارد و با مطالعه قواعد و مقررات می‌توان بر آن وقوف یافت، چگونگی کارکرد صاحب‌منصبان سازمان داوری اهمیت بیشتر از قواعد سازمان داوری دارد و تا به سازمان داوری مراجعه نشود به این جنبه شخصی آن نمی‌توان پی برد. محرمانه بودن داوری هم مانع و پوششی است که اجازه نمی‌دهد به سادگی پی برد که مدیران سازمان چگونه کار می‌کنند. کمال مطلوب این است که مدیران سازمان و کارکنان آن رفتار مساوی، محترمانه و بی‌طرفانه با اصحاب دعوا داشته باشند و برد و باخت هیچ‌کدام از ایشان تأثیری بر مدیران و کارکنان سازمان داشته باشد. داوری سازمانی شکل پیچیده و در عین حال شفاف، منظم، مرتب، اصولی و غیرقابل انعطاف اداری جریان داوری است. برخلاف داوری موردی که شکل بسیط و منعطف اداره جریان داوری است؛ چون طرف‌ها می‌توانند از آغاز تا پایان کار داور را به صلاحدید خودشان دگرگون کنند (کاکاوند: ۱۳۹۹: ۶۹).

۳. اراده طرفین اختلاف در تعیین صلاحیت داور

وقتی که از نظر عرف، ارجاع اختلاف به داوری به معنای ارجاع تمام مسائل مربوط به آن اختلاف، از جمله اعتبار قرارداد است، باید آن را مورد احترام دانست. فی‌الواقع مزیت شرط داوری در قراردادها این است که تمام اختلافات در هر مورد، اعم از قرارداد اصلی و خود شرط داوری توسط داوران مرضی‌الطرفین را از رسیدگی به اختلاف راجع به اصل قرارداد استثناء نموده‌اند (صلح‌چی، ۱۳۸۹: ۲۵۸).

به‌طور کلی می‌توان گفت که توافق رجوع به داوری، حتی اگر در قرارداد دیگری هم درج شده باشد، خود به‌عنوان یک موافقت‌نامه مستقل تلقی می‌شود تا اینکه صرفاً یک مقرر تفکیک‌پذیر از موافقت‌نامه اصلی باشد. به این طریق، اعتبار آن با اختتام معاهده اصلی به‌خودی‌خود از بین نمی‌رود.

موافقت‌نامه داوری خواه به‌صورت شرط ضمن عقد باشد و یا توافقی مستقل، در شرایط عمومی حاکم بر آن همانند سایر عقود است ولیکن دارای شرایط خاص خود جهت اعمال و اجرا می‌باشد که در قواعد آیین دادرسی ذکر شده است. بررسی این موضوع در این رساله از آن جهت واجد اهمیت است که رابطه شرط و عقد در موافقت‌نامه‌های داوری در هر یک از دو شکل آن از حیث صلاحیت تأثیرگذار است و نحوه برخورد با رابطه شرط و عقد بر صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده مؤثر است.

قانون تجاری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند داوری اختلافات تجاری بین‌المللی خود را اعم از اینکه در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله که باشد با تراضی طبق مقررات این قانون به داوری ارجاع کند». قابل توجه است که محدود کردن آزادی طرفین در انتخاب داور و منحصر کردن این منع به موردی که طرفین قبل از بروز اختلاف برای رجوع به داوری توافق می‌کنند، دلیل قانع‌کننده‌ای ندارد و معلوم نیست چرا چنین کاستی در این ماده به چشم می‌خورد (صفایی، ۱۳۷۷: ۲۵۸).

قانون حاکم بر موافقت‌نامه داوری می‌تواند از جهت تشخیص قابلیت ارجاع امر به قرارداد داوری یا اعتبار موافقت‌نامه داوری حائز اهمیت باشد. در صورت عدم تعیین قانون حاکم، در برخی از پرونده‌ها این‌گونه رأی داده شده که قانون حاکم بر قرارداد اصلی و یا قانون شکلی داوری، حاکم بر موافقت‌نامه داوری هستند.

بنابراین موضوع صلاحیت داور در حقوق ایران به‌طور کلی در دو بخش داوری بین‌المللی و داوری داخلی قابل بررسی است، در داوری خارجی تابع قوانین پذیرفته شده بین‌المللی و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران است که در این خصوص با توجه به پذیرش استقلال موافقت‌نامه داوری چندان محل اختلاف نیست و اختلاف در صلاحیت بیشتر در بخش داوری داخلی وجود دارد و محل اختلاف ناشی از آن است که عده‌ای شرط و قرارداد داوری را تابع قرارداد مبنا و بعضی آن را مستقل می‌دانند.

داوری داخلی تابع قانون آیین دادرسی مدنی و قانون مدنی و در مواردی نیز اختلاف اشخاص با توجه به قوانین ناظر بر تشکیل، اساسنامه و یا نوع فعالیت مربوطه در صلاحیت نهاد داوری سازمان خاص قرار دارد؛ که به داوری اجباری قراردادی یا غیرقراردادی تعبیر می‌شود. داوری اجباری مشمول قوانین و آیین‌نامه‌های خاص از قبیل آیین‌نامه داوری مرکز داوری اتاق تعاون

موضوع بند ۱۴ ماده ۵۷ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۰ قانون نظام مهندسی ساختمان، ماده ۲۰ قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹، مواد ۳۰ و ۳۸ قانون بازار بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و ... است که با توجه به الزام قانونی بر صلاحیت سازمان‌های خاص برای داوری تعیین تکلیف شده است تا در امور حرفه‌ای بین اشخاص حقوقی، رسیدگی از طریق مراجع سازمانی تخصصی انجام شود و بر همین اساس قانون‌گذار آن را تابع قواعد و تشریفات خاص و در صلاحیت سازمان‌های داوری مربوطه دانسته و داوری اجباری تلقی می‌شود؛ بنابراین اختلاف در صلاحیت راجع به ادعای انحلال، بی‌اعتباری یا فسخ در این گونه موارد به جهت تصریح صلاحیت به داوری سازمانی مربوطه چندان مشهود نیست.

موافقت‌نامه داوری ممکن است هم‌زمان با انعقاد قرارداد مبنا و در همان قرارداد به صورت شرط گنجانیده شود یا در سند جداگانه هم‌زمان با انعقاد قرارداد مبنا یا در زمانی مقدم یا مؤخر بر انعقاد قرارداد اصلی. چنانچه قرارداد داوری در سند جداگانه باشد، غالباً مشکل چندانی ایجاد نمی‌کند ولی بازهم اختلاف راجع به بی‌اعتباری آن می‌تواند محل نزاع در صلاحیت جهت رسیدگی به اصالت یا بی‌اعتباری آن باشد؛ اما چنانچه قرارداد داوری در قرارداد اصلی باشد همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم مخصوصاً با توجه به نحوه نام‌گذاری آن که به شرط داوری شهرت یافته است، با انحلال قرارداد مبنا اعم از فسخ، تفاسخ یا بطلان آن با توجه به اینکه حقوق‌دانان ما شرط را تعهدی طبیعی ضمن قرارداد مبنا می‌دانند و مخصوصاً با بروز اختلاف در صلاحیت داور که نتیجه‌اش امتناع از معرفی داور و شرکت در جریان رسیدگی داور یا مراجعه به دادگاه و طرح دعوا در دادگاه هست یا در صورت شرکت در جریان رسیدگی منتهی به اعتراض برای درخواست ابطال رأی می‌شود. رویکرد بعضی از دادرسان آن است که منجر به ابطال رأی داوری می‌شود با استدلال که قرارداد داوری را شرط تلقی می‌کنند و شرط را فرع بر قرارداد اصلی می‌دانند و از سوی دیگر با اعتقاد به اینکه صلاحیت دادگاه عام است و رسیدگی داور استثنا و با تردید در واقع شدن یا نشدن آن، اصل را بر عدم می‌گذارند و نهایتاً با اعتقاد به بی‌اعتباری قرارداد داوری با از بین رفتن قرارداد مبنا به عدم صلاحیت داور و بی‌اعتباری تصمیم داور حکم می‌کنند. این دیدگاه در نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه هم طرفدارانی دارد.

اگر قرارداد داوری را اعم از اینکه به صورت مستقل منعقد شده باشد یا به صورت شرط ضمن عقد، وابسته و تابع قرارداد اصلی بدانیم در هر صورت قرارداد داوری از حیث اعتبار و نفوذ هم تابع قرارداد اصلی یا پایه است و به اصطلاح تابع احکام شروط ضمن عقد، در نتیجه صحت و اعتبار و نفوذ آن وابسته به صحت و اعتبار و نفوذ قرارداد اصلی است و همین که معلوم شد قرارداد اصلی به هر دلیل معتبر نیست یا فسخ شده یا باطل بوده این بی‌اعتباری و فسخ و بطلان به قرارداد داوری اعم از موافقت‌نامه مستقل یا شرط داوری ضمن قرارداد اصلی هم سرایت می‌کند و آن را از صحت و

اعتبار ساقط می‌کند و داور هم صلاحیت رسیدگی به دعوا را ندارد؛ اما اگر قرارداد داوری را مستقل از قرارداد پایه بدانیم، ادعای بطلان قرارداد یا عدم تشکیل آن و یا نفوذ قرارداد اصلی از جانب هر یک از طرفین، تأثیری در قرارداد داوری ندارد و به‌عنوان یک قرارداد یا تعهد مستقل معتبر و لازم‌الاجرا است، در نتیجه داور منتخب هم صلاحیت رسیدگی به ادعای مربوط به اعتبار قرارداد اصلی یا وجود و نفوذ آن را و هم صلاحیت رسیدگی به سایر اختلافات ناشی از اجرای یا تفسیر قرارداد را خواهد داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

موافقت‌نامه داوری موضوعاً و حکماً ناظر به موضوع مستقل و خاص یعنی اراده مستقل طرفین بر انتخاب یک مرجع رسیدگی خارج از دادگاه به‌عنوان یک آیین دادرسی خصوصی است و احکام و قواعد خاص خود را دارد. موافقت‌نامه داوری جزو مورد معامله و صفات مربوط به آن نیست و توافق بر ارجاع اختلاف به داوری به‌صورت قرارداد جداگانه و یا ضمن عقد که در ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی تجویز شده است از نوع شرط ضمن عقد نیست و خود قراردادی مستقل است حتی اگر ضمن عقد اصلی درج شده باشد و طرفین هنگام انعقاد قرارداد و تراضی به داوری در واقع دو اراده با دو قصد کرده‌اند و حتی ممکن است که توافق بر ارجاع اختلاف به داور مورد تراضی طرفین یک شرط بنایی باشد و عقد متباین بر این توافق انشا شده باشد که داور انتخابی طرفین، اختلاف احتمالی را حل و فصل نماید که اگر چنین نبود شاید طرفین مبادرت به انعقاد عقد نمی‌نمودند و از طرفی محدودیت‌های ارجاع اختلاف به داوری در قانون تصریح شده است و از آنجا که ماهیت و هدف داوری توافق بر یک نهاد خصوصی و مورد نظر طرفین در آیین دادرسی است، چنانچه اختلاف از مواردی نباشد که به‌موجب قانون قابل ارجاع به داوری نیست، انتخاب مرجع رسیدگی مخالفی با قوانین نداشته و دلیلی وجود ندارد که این نوع اختلاف از حوزه شرط داوری خارج گردد و باید با احترام به اصل حاکمیت اراده، توافق طرفین بر رسیدگی توسط نهاد داوری را مقدم شمرد.

پیشنهادها

۱. تشکیل خانه‌های داوری

این سازمان می‌تواند استحکام بیشتری به مقوله داوری ببخشد. نظام‌مند کردن داوری در خصوص صلاحیت‌های علمی، تخصصی، صلاحیت‌های رسیدگی، آموزش داوران متخصص نسبت به موارد تشریفات داوری موجبات استحکام بیشتر موقعیت داوری را فراهم می‌آورد، مفهوم آن این است که داوران ضمن نظر دادن در رشته تخصصی خود که می‌تواند خطاهای ناخواسته را شدیداً

کاهش دهد با اتکاء به آموزش‌های مورد لزوم حقوقی (در حدود نیاز داوران) قطعاً آرای بسیار قوی و متکی به اصول انشاء خواهند نمود.

۲. تخصصی کردن امر داوری

از آنجا که قانون‌گذار برای تخصص داور هیچ پیش‌بینی نکرده است و فقط به اهلیت و موانع قانونی انتخاب داور پرداخته است. در روش جاری هر کسی می‌تواند به‌عنوان داور انتخاب گردد البته با توجه به شرایط قبلی که گفته شد در حالی که ممکن است به دلیل عدم دارایی دانش و تخصص در موضوع مورد اختلاف دچار اشتباه فاحش ناخواسته گردد؛ فلذا لزوم تخصصی نمودن امر داوری بیش‌ازپیش رخ می‌نمایاند.

۳. پیش‌بینی ضمانت اجرا جهت آرای صادره در داوری

در حال حاضر آراء داوری رأساً ضمانت اجرایی ندارد بلکه ضمانت اجرایی خود را از طریق دوایر اجرای احکام دادگاه اکتساب می‌نماید. چنانچه بتوان برای آراء داوری ضمانت اجرایی ایجاد کرد از به‌وجود آمدن دوره‌های اضافی برای اجرای آراء خودداری می‌شود. البته این موضوع نافی نظارت بر نظام داوری نیست.

۴. تصریح به پذیرش داوری شخص حقوقی

وجود تناقض بین واژه «نفر» در ماده ۴۵۴ و «شخص» در ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی موجب اختلاف نظر بین حقوقدانان در صلاحیت شخص حقوقی برای داوری گردیده است. نیکوست مقنن محترم در راستای رفع این اختلاف به تصریح امر در قوانین مربوط بپردازد.

منابع

- اسکینی، ربیعا. (۱۳۶۹). اختیار دولت‌ها و سازمان‌های دولتی در مراجعه به داوری تجاری بین‌المللی. فصلنامه حقوق، (۲۵)، ۷۷-۳۱.
- https://jflps.ut.ac.ir/article_15410.html
- اعظمی چهاربرج، حسین. (۱۳۹۵). حقوق مدنی، شروط و تعهدات فرعی. مرکز آموزش قضات قم.
- افتخار جهرمی، گودرز. (۱۳۸۳). مزایای داوری به‌عنوان جایگزین رجوع به دادگاه‌ها. مجله داوری.
- ام. لیو، جولیان دی. (۱۳۸۸). تحقق رویای داوری خود آیین. ترجمه فیض‌الله جعفری. مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۶ (۴۰)، ۱۹۳-۱۶۳.
- http://www.cilamag.ir/article_17374.html
- امیر معزی، احمد. (۱۳۸۸). داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی، چاپ دوم. نشر دادگستر.
- بردبار، محمدحسین. (۱۳۸۴). صلاحیت در دیوان‌های داوری بین‌المللی دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده. چاپ اول. ققنوس.
- جنیدی، لیا. (۱۳۷۸). نقد و بررسی تطبیقی قانون تجارت بین‌الملل. چاپ اول. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- جنیدی، لیا. (۱۳۸۷). اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی. چاپ دوم. موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- حبیبی مجنده، محمد. (۱۳۹۰). داوری پذیری اختلاف ناشی از حقوق مالکیت معنوی. مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران به اهتمام محمد کاکاوند. چاپ دوم. شهر دانش.
- خزایی، حسین. (۱۳۸۶). رأی داور در حقوق داخلی و تجارت بین‌المللی. فصلنامه حقوق. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۳۷ (۳)، ۹۷-۱۲۶.
- https://jfq.ut.ac.ir/article_18950.html
- سواد کوهی‌فر، سام. (۱۳۷۹). تولد داوری اجباری یا مرحله‌ای از دادرسی نگرشی به هیات داوری و شورای حل اختلاف در قانون برنامه سوم توسعه. ماهنامه دادرسی، ۲۲.
- سکوتی، نیما، حسین‌زاده، جواد. (۱۳۹۶). ماهیت، ویژگی‌ها و صلاحیت داور در قانون پیش‌فروش ساختمان. فصلنامه حقوق خصوصی دانشگاه تهران، ۱۴ (۲)، ۳۰۷-۲۸۳.
- https://jolt.ut.ac.ir/article_65286.html
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۱). داوری تجاری بین‌المللی. چاپ اول. سمت.
- صفایی، حسین. (۱۳۷۷). سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۰، ۳۹-۵.
- https://jflps.ut.ac.ir/article_14180.html
- صفایی، حسین. (۱۳۷۵). حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی. چاپ اول. نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۶). حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها. چاپ اول. جلد سوم. شرکت سهامی انتشار.

- کاکاوند، رامین (۱۳۹۰). شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی به موجب کنوانسیون‌های بین‌المللی. سومین دوره مقدماتی آموزش داوری به اهتمام مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، دوره جدید، ۶.
- کاکاوند، محمد. (۱۳۹۹). حقوق داوری در آراء دادرسان و داوران. جلد اول. انتشارات نهاد.
- گرین، ماریان. (۱۳۷۸). متونی از حقوق بین‌الملل، برگرفته از دو کتاب *Law Texts and International* ترجمه بهرام آریان. چاپ اول. خط سوم.
- محبی، محسن (۱۳۸۳). امتیازات داوری از حیث اجرای رأی داوری. مجله داوری. مرکز اتاق داوری ایران.
- مشکور، مشکان. (۱۳۹۰). داوری سازمانی در حقوق ایران با تأکید بر مقررات مرکز منطقه‌ای داوری تهران و مقررات مرکز داوری اتاق ایران. مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران. چاپ دوم. شهر دانش.
- هدایتی، محسن. (۱۳۸۹). لزوم اصلاح مقررات مربوط به حکمیت. مجله کانون وکلا، ۷۴.

- David, R. (1985). *Arbitration in International Trade*, 1 edition, Alphen aan den Rijn, Kluwer Law and Taxation Publishers.
- Redfern, A., Hunter, M. (2003). *Law and Practice of International Commercial Arbitration*, 3rd edition, London, Sweet & Maxwell.